



بررسی استحاله تخییر بین اقل و اکثر با نگاهی بر برخی تطبیقات آن در فقه

مهدی ملکشاهی صفت^۱

محمد پاسبان^۲

سجاد شریعتی^۳

چکیده

در تحلیل واجب تخییری دو قسم تخییر بین متباینین و تخییر بین اقل و اکثر وجود دارد که تخییر بین اقل و اکثر مورد مناقشه بین اصولیین قرار گرفته است و برخی مانند محقق خراسانی معتقد به معقولیت و امکان تخییر بین اقل و اکثر شده اند و برخی مانند محقق خویی قائل به عدم امکان و استحاله تخییر بین اقل و اکثر شده اند که هر کدام از این دو نظریه در مسأله وجوب تخییری و مسأله اجزاء مأمور به اضطرابی از مأمور به واقعی سبب ثمرات مختلف و نتیجه گیری متفاوت می شوند از این رو این نوشتار در صدد تبیین و تصویر استحاله و رفع ابهامات موجود نسبت به مسأله می باشد.

امور ذیل را میتوان به عنوان یافته های این پژوهش برشمرد: تخییر بین اقل و اکثر محال است و کلام قائلین به تخییر بین اقل و اکثر در واقع برگشت به تخییر بین متباینین می کند.

کلید واژه ها:

تخییر، تخییر بین اقل و اکثر، استحاله تخییر بین اقل و اکثر، اجزاء.

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان رضوی (نویسنده مسئول)

۲. طلبه سطح چهار حوزه علمیه خراسان رضوی.

۳. طلبه سطح چهار حوزه علمیه خراسان رضوی.



مقدمه

تخیر در شریعت اسلام به معنای اختیار دادن به مکلف میان انجام دو یا چند فعل است و این مفهوم در اصول فقه جایگاه ویژه‌ای دارد.

تخیر: از "تخیر - یتخیر" که به معنای انتخاب و گزیدن است؛ اصطلاحاً "واجب تخیری" به معنی واجبی است که دارای جایگزین دیگری است و مکلف در انجام آن یا بدیل آن آزاد است، مانند کفاره در افطار عمدی روزه در ماه رمضان که شامل آزاد کردن یک برده، غذا دادن به شصت مسکین، یا روزه گرفتن دو ماه متوالی می‌شود و مکلف در انتخاب بین این سه آزاد است.^۱ تخیر از نظر نسبت بین اطرافش با یک دیگر به دو قسم اصلی تقسیم می‌شود: تخیر بین متباینین و تخیر بین اقل و اکثر.

الف. متباینین:

متباینین به دو یا چند فعل کاملاً مستقل از یکدیگر اطلاق می‌شود، مانند اختیار میان نماز جمعه و نماز ظهر در روز جمعه.^۲

ب. اقل و اکثر: دوران تکلیف بین کمتر و بیشتر:

اقل و اکثر اصطلاحی اصولی و به معنای دو عمل - یکی کمتر و دیگری بیشتر - است که در مقام تعلّق تکلیف، مورد توجّه می‌باشد. مانند موردی که اصل وجوب یا حرمت معلوم است، اما تعلّق آن به عمل کمتر یا بیشتر مشکوک است؛ یعنی معلوم نیست انجام عمل کمتر واجب یا حرام است یا انجام عمل بیشتر. از حکم آن در علم اصول، مبحث اصول عملی، سخن رفته است. اقل و اکثر به دو گونه استقلالی و ارتباطی تقسیم می‌شود. تفاوت این دو آن است که در اقل و اکثر استقلالی، تکالیف از یکدیگر مستقل بوده و هر يك دارای دو امثال یا عصیان جداگانه‌ای

۱. مرعی حسین عبدالله. القاموس الفقهي. دارالمجتبی، ۱۴۱۳، ص ۴۳.

۲. آخوند خراسانی محمدکاظم بن حسین. کفایة الأصول (طبع آل البيت). مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث،

۱۴۰۹، ص ۱۴۰.



است؛ بدین معنا که اگر حکم به اکثر تعلّق گرفته باشد، با انجام اقل، به همان اندازه در وجوب، امتثال و در حرام، عصیان صورت گرفته است. اما در اقل و اکثر ارتباطی، تنها يك تکلیف وجود دارد و قهراً يك امتثال یا عصیان نسبت به اقل و اکثر محقق می‌شود. در صورت تعلّق تکلیف به اکثر، با انجام اقل، هیچ امتثال یا عصیانی رخ نداده است.

هر يك از اقل و اکثر استقلالی و ارتباطی، یا در شبهه وجوبیه است یا در شبهه تحریمیه. از این رو، چهارگونه اقل و اکثر متصور است:

۱. اقل و اکثر ارتباطی در شبهه وجوبیه:

این قسم، شك در جزئیت یا شرطیت چیزی برای مأمور به نیز نامیده می‌شود. مانند اینکه اصل وجوب نماز معلوم است، اما تعلّق وجوب به نماز با سوره (اکثر) یا نماز بدون سوره (اقل) مشکوک است. این شك در حقیقت به شك در جزئیت یا شرطیت برای واجب مرکب باز می‌گردد. در این قسم، سه قول وجود دارد:

- جریان براءت عقلی و شرعی نسبت به تعلّق تکلیف به اکثر (اصل براءت ذمه مکلف از تکلیف وجوبی به نماز با سوره است).
- جریان براءت شرعی نسبت به تعلّق تکلیف به اکثر.
- لزوم احتیاط با انجام اکثر.

۲. اقل و اکثر ارتباطی در شبهه تحریمیه:

در این قسم، حرمت اکثر معلوم و حرمت اقل مشکوک است. مانند اینکه اصل حرمت ساختن مجسمه جاندار معلوم است، اما اینکه تنها ساختن مجسمه کامل حرام است یا ساختن بعضی از اعضا نیز همین حکم را دارد، مشکوک است. در این قسم، اصل براءت در حرمت اقل جاری می‌شود و نتیجه آن، حرام نبودن اقل است.

۳. اقل و اکثر استقلالی در شبهه وجوبیه:

مانند اینکه مکلف می‌داند نمازهایی از او فوت شده است، اما در تعداد آنها شك دارد (برای



مثال، شك می‌کند که آیا سه نماز از او فوت شده یا پنج نماز) یا می‌داند به شخصی بدهکار است، اما در مقدار آن شك دارد (برای مثال، صد تومان بدهکار است یا دویست تومان). در این قسم، اقل یقیناً واجب است و اصل برائت از واجب اضافی مشکوک، جاری می‌شود.

۴. اقل و اکثر استقلالی در شبهه تحریمی:

مانند اینکه شخص جنب یا حائض به اجمال می‌داند خواندن سوره‌های دارای سجده واجب (عزائم) بر او حرام است، اما نمی‌داند خواندن تمام سوره (اکثر) حرام است یا تنها خواندن آیه سجده از این سوره. در این قسم، حرمت اقل (یعنی آیه سجده) قطعی است و در بیشتر از آن (یعنی اکثر)، اصل برائت جاری می‌شود.^۱

اقل از نظر کیفیت تعلق حکم به آن، به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. **اقل بشرط لا از اکثر:** در این حالت، "اقل" به گونه‌ای تعریف شده است که ذات آن، بدون در نظر گرفتن "اکثر"، مورد نظر است. به عبارت دیگر، اقل به عنوان یک موجود مستقل و جداگانه در نظر گرفته می‌شود که اگر محقق شود، تکلیف ادا شده است و اگر اکثر محقق شود اقل در ضمن آن محقق شده است. این نوع از اقل و اکثر به مثابه دو چیز کاملاً جداگانه (متباین) هستند. به طور مثال، کفاره بین اطعام مسکین و روزه گرفتن، اینها دو عمل متباین هستند و هیچ یک در ضمن دیگری محقق نمی‌شود، لازم به ذکر است که مراد از متباین غیر از محذورین است، در محذورین امکان جمع بین طرفین [احتیاط] وجود ندارد «مثلاً نماز جمعه در عصر غیبت یا واجب است یا حرام، شخص نمیتواند بین این دو جمع کند و احتیاط ممکن نیست» اما در متباینین امکان جمع وجود دارد «مثلاً شخص نمیداند که کفاره شکستن روزه یا آزاد کردن بنده است یا غذا دادن به نیازمند، اگر چه این دو کفاره با هم تباین دارند، اما امکان جمع بین این

۱. هاشمی شاهرودی محمود. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. ج ۱، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر

مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۲، ص ۶۲۷ - ۶۲۹.



دو وجود دارد».

۲. **اقل لابلشروط از اکثر:** در این حالت، «اقل» به گونه‌ای تعریف شده است که اگر «اکثر» محقق شود، «اقل» نیز در ضمن آن محقق شده است؛ یعنی اقل به عنوان یک جزء از اکثر در نظر گرفته می‌شود. در این نوع از اقل و اکثر، اگر مکلف اقل را انجام دهد، تکلیفش ادا شده است، و اگر اکثر را انجام دهد، هم اقل و هم مقدار زاید (اکثر) انجام داده است.^۱

با توجه به جستجو در پایگاه‌های معتبر علمی همچون نورمگز و پرتال علوم انسانی، تاکنون پژوهش مستقلی درباره استحاله یا عدم استحاله تخییر بین اقل و اکثر ارائه نشده است.

از این رو، مقاله حاضر با هدف بررسی مبانی فقهی و تحلیل موارد کاربردی تخییر بین اقل و اکثر و با فرضیه محال بودن تصویر این نوع تخییر، به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که تصویر استحاله تخییر بین اقل و اکثر چگونه قابل تبیین است و چه تفاوتی میان این نوع تخییر با تخییر بین متباینین وجود دارد.

تبیین دقیق این مسئله می‌تواند ضمن پر کردن خلأ پژوهشی موجود، جایگاه واقعی تخییر را در اصول فقه روشن سازد و راهگشای فهم بهتر احکام تخییری در شریعت اسلام باشد.

نکته کلیدی: بحث اصلی در این نگارش مربوط به نوع دوم (اقل لابلشروط از اکثر) است. نوع اول (اقل بشرط لا از اکثر) از بحث خارج می‌شود زیرا در حقیقت تخییری بین اقل و اکثر وجود ندارد، بلکه تخییر بین دو چیز کاملاً متباین است.^۲

مشکل اصلی در تخییر اقل و اکثر (نوع دوم): مکلف باید تسبیحات اربعه را بین یک بار تا سه بار انجام دهد. اگر اقل (یک بار تسبیحات اربعه) را انجام دهد، تکلیف ادا شده و غرض از واجب محقق می‌شود. پس دیگر امر به انجام دو یا سه بار تسبیحات اربعه لغو و بلااثر

۱. آشتیانی، محمدحسن، بحرال فوائد فی شرح الفرائد، ج ۸، ص ۳۹۲. موسسه تاریخ عربی بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.

۲. صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، ج ۶، ص ۲۵۵. دارالاسلامیه بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.



خواهد بود. حال اگر بگوییم یک بار تسبیحات اربعه غرض مولی را تامین نمیکند، در این صورت این سوال پیش می آید که چرا اساساً یک بار تسبیحات اربعه به عنوان یک ضلع از واجب تخییری واجب شده است؟ این اشکال (لغو بودن مقدار زاید در اکثر) در نوع اول اقل و اکثر پیش نمی آید، زیرا اقل و اکثر در آنجا دو چیز متباین هستند و اگر مکلف یکی را بیاورد تکلیف ادا شده است.^۱

۱. بررسی اقوال در بحث

۱.۱. محقق کرکی می فرماید: گاهی شارع مقدس به مکلف این اختیار را می دهد که بین انجام یک عمل با حداقل شرایط (مانند قصر نماز) و انجام همان عمل با حداکثر شرایط (مانند اتمام نماز) یکی را انتخاب کند. این مسئله به این دلیل اشکالی ندارد که یک مفهوم کلی مثل نماز، می تواند مصادیقی با درجات مختلف داشته باشد و اشکالی ندارد که شارع اجازه دهد فرد، هم مصداق حداقلی و هم مصداق حداکثری آن را انجام دهد. همچنین، درست است که انجام مصداق حداقلی باعث برائت ذمه می شود، اما این برائت فقط در همان سطح است و منافاتی با این ندارد که فرد با انجام مصداق حداکثری به برائت کامل تری دست یابد.^۲

۱.۲. محقق همدانی می فرماید: در برخی موارد، شارع به فرد اختیار می دهد بین حداقل و حداکثر انجام یک عمل یکی را انتخاب کند. که این امر بر اساس اهمیت احتمالات مختلف است. هر زمان، به طور مستقل می تواند موضوع تخییر باشد. در بحث مدت استظهار، احتمال حائض بودن در روز اول بیشتر از سایر روزهاست، بنابراین استظهار (عمل بر اساس احتمال قوی تر) واجب است، اما در روزهای دیگر، به دلیل برابری احتمالات، تخییر وجود دارد.^۳

۱.۳. میرازی قمی می فرماید: دادن اختیار به مکلف بین انجام حداقل یا حداکثر اعمال

۱. آخوندخراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، ص ۱۴۱. موسسه آل البیت قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

۲. محقق کرکی، علی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳. همدانی، رضا، مصباح الفقیه، ج ۴، ص ۱۰۳. موسسه جعفریه قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.



مشکلی ندارد. برای مثال، زمانی که شرایطی مثل ابهام بین حیض و استحاضه وجود دارد، مکلف اختیار دارد بین ترک اعمال حیض و انجام اعمال مربوط به استحاضه یکی را انتخاب کند و این مسئله در فقه اسلامی غیرعادی نیست. این نوع اختیار، مشابه تخیر میان قصر و اتمام برای نماز مسافر است.^۱

۱.۴. محقق خراسانی می‌فرماید: اقل، به شرط آنکه مستقل و جداگانه انجام شود، می‌تواند هدف و مقصود مولا را برآورده سازد. اما اگر اقل به صورت بخشی از اکثر انجام شود، دیگر به تنهایی تأمین‌کننده غرض نخواهد بود. در چنین حالتی، اکثر است که هدف را برآورده می‌کند. ممکن است بتوان گفت که غرض مولا مطلقاً به اقل به تنهایی وابسته نیست. به عنوان مثال، اگر تسبیحات اربعه فقط یک مرتبه گفته شود و تکرار نشود، همین یک مرتبه به تنهایی کافی است و هدف را تأمین می‌کند. این یعنی، اقل زمانی ارزشمند است که به تنهایی انجام شود. اما اگر همین اقل به اکثر اضافه شود، مثلاً برای بار دوم و سوم تکرار گردد، دیگر ارزش مستقل خود را از دست می‌دهد. در واقع، اقل در دل اکثر، حتی اگر به نوعی مستقل هم باشد، دیگر نقشی در تأمین هدف ندارد.

در نتیجه، اقل به شرط عدم انضمام به موارد بیشتر، می‌تواند غرض مولا را تأمین کند، در حالی که همین اقل در صورت انضمام به موارد دیگر، هیچ تأثیری نخواهد داشت. بنابراین، اگر مکلف تسبیح اول را بگوید و بعد تسبیحات دوم و سوم را به آن اضافه کند، چون تسبیح اول دیگر مستقل نیست و به تسبیحات بعدی پیوسته است، تأثیر مستقل خود را از دست می‌دهد و نقشی در تأمین غرض مولا نخواهد داشت.^۲

همچنین ایشان در بحث اجزاء مامور به اضطراری از واقعی در صورت چهارم که مامور به

۱. قمی، ابوالقاسم، غنائم الایام، ج ۱، ص ۲۳۷. مکتب الاعلام الاسلامی قم چاپ اول. ۱۳۷۵ ش.

۲. همان، ص ۱۴۳.



اضطراری وافی به تمام مصلحت نیست و مقدار باقیمانده مصلحت ملزمه قابل تدارک است فائل به تخییر بین بدار و اتیان دو عمل یا اتیان عمل اختیاری با رفع عذر شده اند که از مصادیق تخییر بین أقل و اکثر است.^۱

۱.۴.۱. محقق خویی در مقام اشکال به محقق خراسانی می‌فرماید: این تخییر محال است به این دلیل که لازمه تخییر این می‌شود که اکثر واجب است لکن ترکش جایز است و این مطلب عقلا محال است.^۲

۱.۴.۲. محقق بروجردی توجیه و بیانی برای کلام مرحوم آخوند مطرح می‌کند: در مواردی که یک امر متدرج الوجود باشد که طرفین تخییر تحت طبیعت واحدی قرار دارند، می‌توان تخییر را برای «أقل لابشرط» تصور کرد. به عنوان مثال، شخصی که خطی را ترسیم می‌کند، اگر ترسیم خط کوتاه را انجام دهد و دست بکشد، همان خط محصل غرض است. اما اگر خط کوتاه را رسم کرده و ادامه دهد، به یک خط طولانی خواهد رسید که آن نیز محصل غرض است. آخوند در اینجا بر «أقل بشرط لا» تأکید می‌کند و محقق خوئی آن را با اکثر متباین می‌داند. در مقابل، محقق بروجردی این مثال را از زاویه دیگری بررسی می‌کند و می‌گوید که شخص حق انتخاب دارد: آیا پس از ترسیم خط کوتاه دست بکشد یا ادامه دهد تا خط طولی ترسیم کند ویژگی این دو خط این است که هر دو از افراد طبیعت خط هستند.

ایشان معتقد است که در اینجا شاهد «تشکیک» هستیم که می‌تواند به نقصان و کمال یا قلت و کثرت مربوط باشد. خط یک امر متدرج است و تا زمانی که در حال شکل‌گیری است، تعیین پیدا نکرده است. وجود واقعی خط زمانی مشخص می‌شود که ترسیم متوقف شود. بنابراین، اگر تعیین به خط کوتاه باشد، محصل غرض می‌تواند کوتاه باشد، و اگر به خط طولانی باشد، محصل

۱. همان، ص ۸۵.

۲. خویی، ابوالقاسم. مصباح الأصول، ج ۱، ص ۳۶۲. مکتبه داری قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.



غرض طولانی خواهد بود. در این مفهوم، تخییر بین «اقل لابشرط» و «اکثر» مطرح می‌شود. بنابراین، نظر آخوند از «اقل بحد» و «اکثر بحد» به معنای «اقل بشرط لا» و «اقل بشرط شیء» نیست. او منکر تخییر بین اقل و اکثر نیست، بلکه تأکید دارد که این امر متدرج‌الوجودی تا تعین پیدا نکند، محقق نمی‌شود و تا تحقق نیابد، تحصیل غرض صورت نمی‌گیرد. در نتیجه، مکلف مخیر است که یکی از این موارد را متعین کند و نزاع بر سر «اقل لابشرط» خواهد بود، نه «اقل بشرط لا».^۱

۱.۴.۳. مرحوم امام در نقد فرمایش محقق بروجردی می‌فرماید: نزاع در اینجا حول مصداقی بودن واقع خارجی برای طرفین تخییر است؛ یعنی آیا یک شیء خارجی مصداق «اقل» است یا «اکثر». محقق بروجردی بیان می‌کند که واقعیت خارجی زمانی مصداق خواهد بود که مکلف از ترسیم خط دست بکشد. در این صورت، خط ترسیم‌شده قابلیت بررسی دارد که آیا «اقل» است یا «اکثر».

از سوی دیگر، نظر حضرت امام (ره) این است که مصداقیت واقع خارجی باید بر اساس جنبه «بشرط لائی» لحاظ شود؛ یعنی وقتی از ترسیم دست برمی‌داریم، «خط بشرط لا از زیاده» خواهیم داشت. اما اگر به جنبه «لابشرطی» توجه کنیم، حتی در حال ترسیم، مقدار یک ذراع از خط ترسیم‌شده می‌تواند مصداق «خط یک ذراعی لابشرط» باشد.

بنابراین، اگر بخواهیم واقعیت خارجی فقط به عنوان مصداق «اقل» تلقی شود، به معنای لحاظ کردن «خط بشرط لا» است. تحقق «اقل لابشرط» نیازی به توقف ترسیم خط ندارد؛ بلکه هر مقداری از خط که تا کنون ترسیم شده، می‌تواند محصل غرض باشد، حتی در حالی که ترسیم ادامه دارد. هدف این است که هر دو طرف تخییر، محصل غرض باشند.

۱.۵. آیه الله مومن می‌فرماید: منظور از تخییر، این است که حداکثر جایگزین حداقل باشد،

۱. بروجردی، حسین، لمحات الاصول، ج ۱، ص ۱۸۸. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.



به گونه‌ای که مکلف موظف باشد یا حداقل را انجام دهد یا حداکثر را به اختیار خود. این تخییر تنها در صورتی ممکن است که حداقل در مقام تعلق وجوب به شرطی که الزامی به انجام زائد نباشد، گرفته شود. زیرا اگر حداقل بدون قید در نظر گرفته شود، در صورت انجام حداکثر که شامل حداقل نیز می‌شود، حداقل دو بار واجب خواهد شد: یک بار به طور مستقل و یک بار ضمن انجام حداکثر. بدون شک این معنا از عبارت مذکور مقصود نیست؛ بلکه منظور از عبارت این است که واجب بر مکلف یکی از این دو، یعنی حداقل یا حداکثر است.

حق این است که تخییر بین حداقل و حداکثر صحیح است. این تخییر یا به این دلیل است که مقام ثبوت همان‌طور که در «کفایه» ذکر شده، چنین است، یا اینکه حداقل تأثیرگذار است در امری که قابل شدت و ضعف است. اگر به حداقل اکتفا کند، در سطح ضعیف‌ترین مرتبه هدف را محقق کرده است، اما اگر زائد را انجام دهد، اثر قوی‌تری خواهد داشت و هدف اصلی از مرتبه شدیدتر محقق می‌شود. جواز اکتفا به حداقل به دلیل استحباب زائد نیست، بلکه به این دلیل است که می‌توان هدف را از طریق حداقل نیز محقق کرد. در غیر این صورت، اگر حداکثر انجام شود، مجموعه آن یک هدف واحد است که به تبع علاقه واحدی که مربوط به اثر آن است، می‌توان آن را در نظر گرفت.^۱

۱.۶. آیه الله وحید می‌فرماید: استحاله مربوط به وقتی است که اقل اول اتیان شود و بعد مکلف بخواهد اکثر را اتیان کند ولی در بحث اجزاء اقل یعنی صبر کردن و اتیان عمل اختیاری در آخر وقت بشرط لا از عمل اضطراری و اکثر یعنی انجام دادن عمل اضطراری در اول وقت و اتیان عمل اختیاری در زمان رفع عذر و مکلف در ابتدا اکثر را انجام می‌دهد و وقتی اکثر را انجام دهد غرض مولی کاملاً تامین نشده است و باید اقل را هم اتیان کند لذا اشکالی که محقق خوبی مطرح

۱. مومن، محمد، تسدیدالاصول، ج ۱، ص ۳۸۳. موسسه النشر الاسلامی مکان چاپ: قم نوبت چاپ: اول سال چاپ: ۱۴۱۹ ق



کردند مربوط به جایی است که مکلف اول اقل را انجام دهد.^۱

۱.۶.۱. پاسخ به آیه الله وحید: با این بیان ممکن است تخیر بین اقل و اکثر اصلاح شود، اما در واقع به تخیر بین دو مفهوم متباین باز می‌گردد. زیرا این تخیر بین اقل به شرط عدم انضمام و اقل به شرط انضمام قرار گرفته است. اقل به تنهایی، بدون اینکه به چیز دیگری پیوسته شود، یک مفهوم مستقل است؛ در حالی که اقل همراه با انضمام، یعنی به شرط انضمام، مطرح می‌شود. واضح است که اگر چیزی به شرط لا باشد، با آن چیزی که به شرط شی است، متباین خواهد بود.^۲

۲. تطبیقات و ثمرات فقهی مترتب بر قول به استحاله و عدم استحاله تخیر بین اقل و اکثر

۲.۱. یکی از مصداق‌های تخیر بین اقل و اکثر، مورد ادای دین با زیاده است. شخصی که یک میلیون تومان بدهکار است، می‌تواند این بدهی را با یک میلیون تومان پرداخت کند یا با یک میلیون و پانصد هزار تومان. در صورتی که یک میلیون و پانصد هزار تومان پرداخت کند، این ادای دین به همراه زیاده محسوب نمی‌شود، بلکه ادای به زیاده است. اگر بگوییم که این یک ادای دین و زیاده است، در این صورت فرد می‌تواند مبلغ اضافی را پس بگیرد. اما اگر بگوییم که این ادای به زیاده است، فرد نمی‌تواند زیاده را پس بگیرد.

۲.۱.۱. آثار دیگری نیز بر این موضوع مترتب است؛ به عنوان مثال، آنچه به عنوان دین پرداخت می‌شود، خمس ندارد. همچنین، اگر زیاده به عنوان هبه باشد، قبول طرف مقابل برای آن ضروری است، ولی ادای دین به قبول او نیازی ندارد و نمی‌تواند زیاده را پس بگیرد.

حال اگر پرداخت‌کننده تصمیم بگیرد که یک میلیون تومان را به عنوان بدهی و پانصد هزار تومان را به عنوان هبه پرداخت کند، در این حالت تخیر بین اقل و اکثر مطرح نمی‌شود. اما آنچه

۱. حسینی میلانی، علی، تحقیق الاصول، ج ۲، ص ۱۷۴. حقائق قم، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق.

۲. خویی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۴، ص ۴۸. دار الهادی قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق.



در روایات ذکر شده، این است که ادای دین به همراه زیاده است، یعنی با خود مبلغ بیشتر تحقق پیدا می‌کند و نه اینکه این فقط ادای دین و زیاده باشد. اگر تخیر بین اقل و اکثر معقول باشد، این روایات بر ظاهری که دارند حمل می‌شوند، وگرنه باید بر خلاف ظاهر و فرض ادای دین و زیاده تفسیر شوند.

۲.۲. تطبیق دوم

اگر تخیر بین اقل و اکثر را غیر معقول بدانیم، واجب فقط تکبیر اول خواهد بود و سایر تکبیرها مستحب هستند. این دیدگاه نظر مرحوم آقای خویی است.^۱ همچنین ممکن است بگوییم که مکلف باید با آخرین تکبیر قصد افتتاح داشته باشد، یا اینکه مکلف می‌تواند به هر کدام از تکبیرها که خواست، قصد افتتاح کند، یا اینکه مکلف می‌تواند با مجموع آن‌ها قصد افتتاح داشته باشد که این نظر مختار سید در «عروه» است.^۲ این بر معقولیت تخیر بین اقل و اکثر مبتنی است. در اینجا، مرحوم آقای نائینی و بروجردی به این فرض تعلیقه دارند و معتقدند که این فرض ممکن نیست.^۳ همچنین از تعلیقه قبل‌ی مرحوم آقای خویی نیز اشکالی به این نظر استفاده می‌شود. اما سایر افراد که تعلیقه‌ای در این موضوع نداشته‌اند، باید تخیر بین اقل و اکثر را قبول داشته باشند.

۲.۳. تطبیق سوم

صاحب فصول می‌فرماید: اگر به اقل و اکثر امر تعلق گیرد، مقتضای ظهور این است که اقل به شرط لا واجب است و نه لا بشرط، که در این صورت بین اقل و اکثر تفاوت خواهد بود و اقل و اکثر به صورت واجب تخیری در نظر گرفته می‌شوند. ایشان تأکید می‌کنند که در ظهور امر به اینکه اقل به شرط لا واجب است، میان مواردی که اکثر تدریجی است و مواردی که دفعی هستند، تفاوتی وجود ندارد. برای مواردی که اکثر دفعی است، مثال‌هایی مانند مسح با یک

۱. خویی، الوالقاسم، تعالیک مبسوطه، ج ۳، ص ۱۸۸. محلاتی قم چاپ اول.

۲. یزدی، محمدکاظم، عروه الوثقی الاعلام العصر، ج ۱، ص ۶۲۹. موسسه اعلمی بیروت چاپ دوم ۱۴۰۹ قمری.

۳. یزدی، محمدکاظم، عروه الوثقی عده من الفقهاء، ج ۲، ص ۴۶۷. موسسه نشر اسلامی قم، ۱۴۲۱ ق چاپ اول.



انگشت یا چند انگشت بر روی یک یا چند قسمت ممسوح بیان شده است.

اقل به شرط لا از اکثر است و آن زیاده خاص است، نه به شرط لا از هر نوع زیاده‌ای. بنابراین اگر به یک تسبیح یا سه تسبیح امر شود و مکلف فقط دو تسبیح به جا آورد، به این معنا نیست که اقل محقق نشده است، زیرا اقل یک تسبیح به شرط لا از سه تسبیح است و نه مطلق زیاده.

بعداً توضیح داده‌اند که اگر دلیلی وجود داشته باشد که اقل به شرط لا واجب نیست و بلکه اقل لایشرط واجب است، در این صورت اقل حتی اگر در ضمن اکثر محقق شود، مصداق واجب و محقق غرض خواهد بود. بنابراین، اقل واجب است و زیاده مستحب خواهد بود. در این موارد نیز تفاوتی ندارد که تحقق اکثر به صورت تدریجی باشد یا دفعی. البته وجوب اقل و استحباب زیاده در این موارد مشروط به دو شرط است: اول اینکه زیاده با اقل از نظر وجودی یا زمانی متحد نباشد. اما اگر زیاده با اقل اتحاد وجودی داشته باشد، مانند اینکه به تسبیح در رکوع یا به گفتن «سبحان ربی العظیم و بحمده» امر کند.

اگر گفته شود «سَبِّحْ فِي رُكُوعِكَ أَوْ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» نشان می‌دهد که تسبیح و آن ذکر خاص از نظر وجودی با هم متحد هستند و بنابراین این موارد شامل اقل بر واجب و زیاده بر استحباب نمی‌گردد، زیرا یک چیز نمی‌تواند دو حکم متضاد داشته باشد. بنابراین در این موارد باید اکثر را بر فرد افضل از واجب حمل کرد.^۱

۳. نتیجه‌گیری:

بحث تخیر بین «أقل» و «أكثر» در فقه اسلامی با اختلاف نظرهای قابل توجهی همراه است؛ برخی فقها مانند محقق کرکی و همدانی با استناد به امکان تحقق اهداف شرعی در سطوح مختلف، تخیر را جایز میدانند، در حالی که محقق خراسانی با تأکید بر استقلال «أقل» و نقش آن در تأمین غرض مولا، انجام «أقل منضم به أكثر» را بی‌اثر میدانند؛ از سوی دیگر، محقق خوبی

۱. حائری اصفهانی، محمدحسین، الفصول الغرّیة فی الأصول الفقہیة، ج ۱، ص ۱۰۳.



با استدلال به محال بودن وجوب ترک واجب، این تخییر را ناممکن می‌شمارد، اما توجیهات محقق بروجردی و امام خمینی با تمرکز بر «تشکیک در وجود متدرج» و «مصاداقیت خارجی»، راهی برای تبیین منطقی این مسئله ارائه می‌کنند؛ در نهایت، جواز تخییر مشروط به تحقق غرض شرعی در هر دو حالت و عدم تناقض با اصول عقلی است.

در نهایت این نوشتار به این نتیجه رسید که تخییر بین اقل و اکثر محال است و کلام قائلین به تخییر بین اقل و اکثر در واقع برگشت به تخییر بین متباینین می‌کند.



فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، ص ۱۴۱. موسسه آل البيت قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲. آشتیانی، محمد حسن، بحر الفوائد فی شرح الفرائد، ج ۸، ص ۳۹۲. موسسه تاریخ عربی بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۳. بروجرودی، حسین، لمحات الاصول، ج ۱، ص ۱۸۸. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۴. حائری اصفهانی، محمد حسین، الفصول الغرویه فی الأصول الفقهیه، ج ۱، ص ۱۰۳.
۵. حسینی میلانی، علی، تحقیق الاصول، ج ۲، ص ۱۷۴. حقائق قم، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق.
۶. خویی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج ۱، ص ۳۶۲. مکتبه داورى قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۷. خویی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۴، ص ۴۸. دار الهادی قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق.
۸. خویی، ابوالقاسم، تعالیک مبسوطه، ج ۳، ص ۱۸۸. محلاتی قم چاپ اول.
۹. صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، ج ۶، ص ۲۵۵. دارالاسلامیه بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. قمی، ابوالقاسم، غنائم الايام، ج ۱، ص ۲۳۷. مکتب الاعلام الاسلامی قم چاپ اول. ۱۳۷۵ ش.
۱۱. محقق کرکی، علی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۵۶.
۱۲. مرعی حسین عبدالله. القاموس الفقهي. دار المجتبی، ۱۴۱۳. ص ۴۳.
۱۳. مومن، محمد، تسدید الاصول، ج ۱، ص ۳۸۳. موسسه النشر الاسلامی مکان چاپ: قم نوبت چاپ: اول سال چاپ: ۱۴۱۹ ق.
۱۴. هاشمی شاهرودی محمود. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. ج ۱، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۲، ص ۶۲۷ - ۶۲۹.
۱۵. همدانی، رضا، مصباح الفقیه، ج ۴، ص ۱۰۳. موسسه جعفریه قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.



۱۶. یزدی، محمدکاظم، عروه الوثقی الاعلام العصر، ج ۱، ص ۶۲۹. موسسه اعلمی بیروت چاپ دوم ۱۴۰۹ قمری.
۱۷. یزدی، محمدکاظم، عروه الوثقی عده من الفقهاء، ج ۲، ص ۴۶۷. موسسه نشر اسلامی قم، ۱۴۲۱ ق چاپ اول.